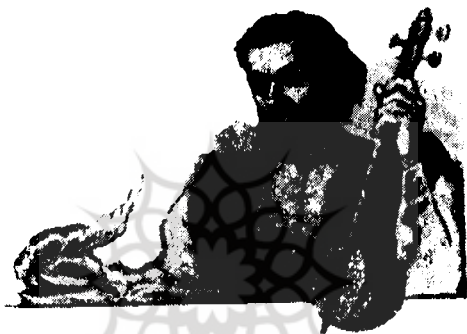


سایات نوا

سایات نوا نغمه سرا و ترانه ساز و خواننده و شاعر از شخصیت های استثنائی هنری ملت ارمنی است که بدون مبالغه ممکن است او را در ردیف هنرمندان عالی قرن ۱۸ بشمار آورد .



با اینکه نغمه سرایان ارمنی از قبیل «فریک» ، «کنستانتین یزرنگاتزی» ، «هوانس تلکوراتزی» ، مگردیچ نقاش» ، «گریگور آختامارتزی» و «نقاش هوناتان» در عصر خود شهرت و محبوبیت بسیار داشته اند ولی باید اذعان نمود که سایات نوا از قرن ۱۳ تا ۱۸ میلادی یکی از درخشنده ترین نغمه سرایان ارمنی بوده که مانند ستاره ای تابان درخشیده است . او با استعداد ذاتی شاعری خویش توانسته است ترانه های عامیانه و ملی در قالب عالیترین ادبیات عصر خویش در آورد .

طبیعت مشرق زمین با نهایت سخاوت بیک فرد از افراد بشر بقدری هنرمندی و استعداد بخشیده که با سخاوت ممکن بود چهار نفر از اوشهیر و نامی ساخت . یکی را بعنوان خواننده ساحر . دومی را چون نوازنده دلکش و سومی را همچون ترانه سرای

و آهنگساز جاودانی و چهارمی را شاعر لطیف طبع که هر يك از آنها باعث فخر و مباحث ملتی میشد لیکن طبیعت باشکوه و زیبای مشرق این همه نعمتهای گوناگون را در يك روح و يك قلب و يك نام نهاد که دارنده آن در عنفوان جوانی «آروتین» و بعداً برای همیشه «سایات نوا» خوانده شد

سایات نوا در پایتخت گرجستان در محیط خانواده نیم برده‌ای دهقانی متولد و پرورش یافته و در عین حال بعنوان يك خواننده بزرگ نوازنده‌ی ماهر ترانه‌سازی فراموش نشدنی و شاعری جاودانی وارد تاریخ و زندگی ملل مختلف شده است. طبق روایت موجود سایات نوا در سال ۱۷۱۲ میلادی متولد و در سن شباب مشغول بافندگی بوده و در جوانی از دیاری بدیار دیگر تا کشور هندوستان مسافرت کرده است.

پدر او بنام «کاراپت» اهل حلب و مادرش موسوم به «سارا» از شهر تفلیس بوده‌اند «صیاد نوا» بفارسی و عربی شکارچی نوا میباشد هر چند بعقیده دانشمندان و محققین نام صیاد نوا به زبان ترکی بمعنی «صیاد» است در صورتیکه این روایت اشتباه است چون میبایستی «نوه» نوشته میشد نه «نوا» کلمه صیاد همگام نوشتن در زبان ارمنی «سایات» شده است همانطور که مثلاً «وارد» (بمعنی گل سرخ) «وارت» و یا «مارد» (بمعنی مرد) «مارت» نوشته شده است.

سایات نوا به سه زبان ارمنی و گرجی و آذربایجانی شعر سرود و از قرار معلوم به این زبانها تسلط کامل داشته است. اکنون دو بیست سال است که سایات نوا نه فقط به يك فرد بلکه بیک ملت و اگر مبالغه نوزیم به سه ملت مختلف تعلق دارد.

با اینکه سایات نوا برده گیورگی ولیعهد گرجستان بود با این حال از طرف «هراکله» به دربار گرجستان بعنوان نوازنده کمانچه دعوت شد و بسمت خواننده نقاره‌خانه دربار تعیین گردید بعداً بواسطه تهمتی که باورده شد طرد گردید بعد از چندی مقام روحانیت را بنام کشیش استپانوس پذیرفت و در شهر «کاخت» (یکی از شهرهای

گرجستان) سکونت گزید و بعد از مدتی به «هاغباد» منتقل و پس از قبول روحانیت به درجه اسقفی تعیین شد.

اشعار و نغمات سایانوا بیش از آن میباشند که بدست ماریسیده است در این خصوص او میگوید «کتابی که در وصف و تعریف تو نوشتام با اندازه ای سنگین است که باید آنرا فیل حمل کند» هر چند دو رست قطعه از نغمات و اشعار سایانوا به ماریسیده است ولی همین مقدار نیز کافی است تا مقام و شخصیت و نبوغ شاعری او بما ثابت شود. همانطوریکه جریان آب رودهای «ارس» و «کر» را بهم متصل میکند «سایانوا» هم فرهنگ و اشعار سه ملت برادر را بهم نزدیک کرده است. اشعار و نغمات وی برای گرجی و ارمنی و آذربایجانی متجانس میباشد بطور کلی این اشعار و نغمات بازبانی ساده سروده شده است که توده مردم بتوانند آنها را به آسانی درک کنند.

عشق در نغمات و اشعار شاعر

سایانوا عشق خود را تا کمال ایزدی اوج میدهد. عشقی را که وی با نظر واقع بینانه بر آن مینگرد و برای او معنی مظهر زندگی تلقی میشود جای گفتار نیست که این عشق بدرجه پرستش رسیده و همچنان که رسم غزل سرایان است تنها بمدح و توصیف معشوق پرداخته است.

بمنظور پی بردن بماهیت آثار این شاعر باید توجه داشت که کلمه عاشق بدو معنی مستقل تعبیر میشود یکی عاشق بمعنی گوینده شعر و دیگر عاشق بمعنی اصلی خود کلمه «یار» نیز بمفهوم معشوق یا دوست و یار فایده مستعمل است و بسیار بجا و منطقی است عقیده کسانی که گفته اند عشق سایانوا مانند دوستی و دوستی او شبیه عشق اوست و چون زبان ارمنی و گرجی و آذربایجانی برای تفکیک جنس مؤنث و مذکر فاقد قواعد دستوری است بدین سبب در بسیاری از اشعار او بدشواری میتوان حدس زد که چه اشخاصی مورد علاقه قرار گرفته اند حس دوستی در اشعار سایانوا بسیار ظریف و

دلچسب و در واقع خصوصیات وابسته باین عشق کاملاً در سطور اشعارش نمایان و هویدا است مانند غم جدائی تلخی و فراغ میل پر شور دیدار و لحظات لذت بخش وفاداری ابدی ولی باید دانست که عشق شهوانی نیز با وجود حرارت و عشق و شعف بی مانند خود در آثار شاعر به بیچوجه بدرجه شهوت پرستی و اغواء نمیرسد این عشق حقیقی با تمام احساسات متلاطم خویش بی آرایش و منزه باقی ماند و صفای نهاد او را تا به عالی ترین درجه صعود میدهد درست است که در اشعار سایات نوا ستایش معشون جای بزرگی را اشغال میکنند و این روش مدح و ثنا امروزه از تحولات ادبی و اسلوب شاعرانه عقب مانده ولی نباید نادیده گرفت که مقصود مداحی شاعر برای استدعا و جلب توجه و علاقمندی یار نیست و اگر مایلید بدانید سخنان وی حمد و ستایش نیست بلکه گفتگوئی است با یار به یکی از ندهای او گوش فراد دهید :

«عالم از عالم سیر شد ولی قلب من تشنه تو ماند»

این سطری است که نه فقط میتواند دیباچه آثارش گردد بلکه ممکن است عصاره

کلیات وی بشمار آید :

سایات نوا نسبت به خود رباکار و خائن نبود و او یکی از شخصیت هائی است که اشاره به قفس سینه خود نموده میگوید در درون این قفس ریه نیست ، سرتاسر این سینه را قلب فرا گرفته و این قلب پهناور مملو از عشق بی آرایش و پاک و در عین حال خالی از یأس و نومیدی نبوده است .

عدالت و دادگری در آثار شاعر

قلب شاعر در تکاپو و جست و جوی عدالت و دادگری است ولی در عین حال هر کس وارد میدان کارزار شد نباید از خون بر حذر باشد این میدان همان دنیای پراز بیدادگرهاست و صاحبان این دنیا آنهائی نیستند که دارای اعتبار یا معرفت باشند و یا اینکه طرفدار فلسفه ای که عاقبت ندارد باشند بلکه اشخاصی هستند که هنگام

شکفتن گل سرخ مانع شکفتن آن میگردند و خودخواهی و خودبستگی را پیشه کرده اند با در نظر گرفتن حقوق انفرادی یعنی حقوق شخصی خود و همچنین حقوق افراد جامعه سایات نوا تدریجاً بسر خدمت مفهوم حقوق اجتماعی رسیده وارد میدانی میشود که نامش سازمان اجتماعی حقانیت و عدالت است .

خادم ملت

سایات نوا غلام وزر خرید یار خود میباشد و این حالت را کلمات مختلف و پندارهای دل انگیز غلام ، نوکر ، برده و بنده مدام بیان میکنند ولی نباید تصور کرد که او فقط بنده یا برده و یار خود میباشد وی معنون و دیوانه عشق نیست بلکه عاشق و دلباخته زندگی نیز میباشد که خود مولد عشق است ولی در عصری که بیج و خم زندگی و شرایط طاقت فرسای رژیم فئودالی و برده فروشی حکمفرمایی میکرد و بگفته خود شاعر حقیقت را در روز روشن هم با چراغ میبایستی جست و جو کرد غیر از غلام یار بودن خود را نوکر فدائی خلق نیز میشمارد. دور از میهن سایات نوا اگر جستان را موطن دوم خود خواند و از گودال بافندگی تا کوشک سلطنتی صعود کرده ولی از فراز ابهت باز هم سخنان خود را مدام به کلبه های محقر روانه داشت و نوکر خاق بودن را بر همه چیز ترجیح داده چنانکه گوید :

«هر کس تو را زهر دهد تو شکر بخش وی را»

در اشعار سایات نوا کلمه «بلبل» بیش از هر چیز تکرار میشود که همواره به يك صفت شخصی یعنی «غریب» همراه میباشد جای تردید نیت برای کسی که کم و بیش آشنائی با اشعار مشرق زمین دارد مفهوم بلبل روشن است ولی علت چیست که شاعر بلبل را بی استثناء «غریب» خوانده است .

دوری از میهن و زندگی در خانه دیگران موجب احساس غربت و دلتنگی شاعر نیست دیرزمانی است که خانه همسایه برای او حکم خانه پدری را پیدا کرده است

لذا نباید تصور کرد که زندگی در گرجستان را شاعر غربت میپندارد. او خود را در شرایطی غربت میدانست که همان احوال و شرایط برای خود گرجستان غربت واقعی بود. او در یکی از اشعارش میگوید:

می آئی از کجا بلبل غریبه ؟ تو بس کن گریه را تا دل بگریه
 نوسوی گل روی دل سوی دلبر تو بس کن گریه را تا دل بگریه
نغمات و آهنگهای شاعر

سایات نوا نغمه سرائی به تمام معنی بوده است او نه فقط سازنده آهنگهای اشعار خود بوده بلکه کلیه ترانه ها و آهنگهای خود را نیز بنحوا حسن مینواخته است. او دارای صدای گیرا و دلنشین و در رموز اجرائی آهنگهای عصر خود وارد بوده و بچندین آلات موسیقی نیز آشنائی کامل داشته ولی برتری را به کمانچه عزیز خود داده است با داشتن استعداد طبیعی بعلت جدیدیت و کوششی که همواره در راه هنر مبذول میداشته توانسته است هنری را که باو علاقمند بوده تکمیل تر نماید.

او بکشورهای مختلف شرق مسافرتها کرد و با نغمه سرایان برقاقت پرداخته است. شاعر وارد مجالس بزم و شادی گردیده و با استعداد و هنر خویش حاضرین را مجذوب و مقنون خود ساخته است.

در دفتر نغمات سایات نوا زیر هر شعری علامتهای مخصوصی گذارده شده و بخوبی نشان میدهد که هر يك از آنها با چه آهنگی و یاسبکی باید خوانده و اجراء گردد. از قرار معلوم کلیه اشعار و نغمات او با آهنگ خوانده شده اند و این موضوع را فرزند او «اوهان» نیز تأیید و تصدیق نموده است.

معلوم است که در عرصوی کلیه نغمه سرایان آهنگهایی که ساخته و حاضر بوده مورد استفاده قرار میداده اند و ترانه سازان فقط شعر می سرودند و با همان آهنگهای موجود میخواندند.

این رویه را سایات نوا نیز پیروی مینمود بطوری که آهنگهای « دوستی » و « نقاش هوناتان » و « باقداساردبیر » را مورد استفاده قرار داده است ولی سایات نوا این رسم و عادت را تا آخر دنبال نمود و به این آهنگها اکتفا نکرد و شروع بساختن آهنگهای جدید نمود و با این ترتیب ترانه سازی را رواج داد و غنی تر نمود .

اکنون سئوالی پیش میآید که در ترانه‌هایی که بنام سایات نوا معروفند کدام يك از ساخته‌های او هستند و کدام از دیگران اقتباس شده است؟ بعلاوه لازم است روشن نمود که ترانه‌های او دارای چه مزایا و مشخصاتی میباشد .

این موضوع چون بستگی به مشکلات فراوان دارد متأسفانه تاکنون حل نشده است ولی میتوان اذعان نمود که او و دیگران آهنگها و ترانه‌های خود را با روش و با اصول نوت‌های موسیقی نساخته‌اند بلکه نغمات را به خاطر میسپرده‌اند و پس از آنها به نسل‌های بعد منتقل میشده است طبیعی است که در این شرایط بسیاری از ترانه‌ها بفراموشی سپرده شده و مقدار کمی بمان رسیده‌اند اما خوشبختانه در سال ۱۹۴۶ بیست و چهار قطعه از آهنگهای او را نغمه بردار مشهور « موشیخ آقاییان » و خواننده نامی « شارا تالیان گرد آورده و آنها را با خط موسیقی نوشته چاپ و منتشر ساخته‌اند .

آرام خاچاطوریان موسیقی‌دان معروف که شهرت جهانی دارد درباره آهنگهای

سایات نوا چنین اظهار نظر میکند : *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

«سایات نوا یکی از بزرگترین شهرها و موسیقیدانهاست چنانچه فقط يك بار آثار او را شنیده و درك کرده باشید تا آخر عمر آنرا دوست خواهید داشت من همیشه با کمال میل و رغبت نغمات و اشعار سایات نوا را میخوانم اشعار و آثار پر هیجان و پر معنی او هر بار مرا شادی بخشیده و احساسات مرا به هیجان میآورد .

اساساً نغمات و آهنگهای او برای موسیقی‌دانهای معاصر و حرفه‌ای بهترین تم‌های موسیقی است حقیقه این همه آثار با ریم‌های غنی و با موضوعهای شاعرانه و هیجان

انگیز ارزش آنرا دارد تا بوسیله ارکستر های سنفونیک در قالب جدیدی ریخته و ساخته شود وظیفه موسیقیدانهای ما این است که بدون درنگ دست بچنین امر هنری زده تا آهنگها و نغمات او در دنیا بهتر معرفی شود و در دسترس عموم قرار گیرد .

حال ببینیم سایات نوا از چه تاریخی شروع بنوشتن شعر و سرائیدن نغمات نموده است ؟ اتفاقاً در این دوبیتی موضوع کاملاً مشخص و معلوم است . او میگوید :

۱۸ ساله بودم ولی هنوز سرائنده نشده بودم .

پس از سپری شدن سال ۱۸ هم گل سرخ دیدم و هم بوستان .

پس در سن ۱۹ سالگی به حبشه و هندوستان مسافرت کردم .

درس ۲۰ سالگی به دام عشق افتاده به سوداگر لعل میفرختم .

چاپ و انتشار اشعار و نغمات او

درست ۱۸ سال پیش یعنی در سال ۱۹۵۲ میلادی با همت و اراده «گورکها خوردیان نغمات سایات نوا چاپ و منتشر گردیده این اقدام در زمان خود گام مؤثری در پیشرفت ادبیات ارمنی بشمار میرود .

بار دوم در سال ۱۸۸۲ بیست قطعه از نغمات سایات نوا منتشر گردید .

در سال ۱۹۱۴ میلادی کتابی که در سال ۱۸۸۲ منتشر و چاپ شده بود بدون تغییر در شهر تفلیس مجدداً بچاپ رسید .

چاپ و انتشار اشعار و نغمات و ترانه های سایات نوا در ارمنستان روبه افزایش نهاد و در سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۵ در شهر ایروان کلیه نغمات و ترانه های کامل او را «گرگین- لونیان» تنظیم و منتشر ساخته است .

در سال ۱۹۴۳ در تهران استاد دانشگاه تهران روبن آبراهامیان کلیه اشعار و ترانه های سایات نوا را منتشر کرده است .

در سال ۱۹۴۵ و ۱۹۵۹ دولت فعلی ارمنستان آثار سایات نوا را به زبانهای ارمنی

آذربایجانی و گرجی نوشته «موروس حسرتیان» چاپ و منتشر نموده است. مجدداً در سال ۱۹۶۳ دیوان کامل شاعر نوشته موروس حسرتیان تجدید چاپ و منتشر شده است.

این کتاب حاوی ۶۸ قطعه شعر بزبان ارمنی ۳۲ قطعه شعر بزبان گرجی و ۸۵ قطعه شعر بزبان آذربایجانی میباشد.

کلیه شعرا و نویسندگان ارمنی و گرجی و آذربایجانی مقام هنری و شاعری اورا ستوده و اشعاری در مدح او نوشته و باو هدیه نموده اند.

خانم «زابلی بویاجیان» مترجم و دانشمند معروف در سال ۱۹۱۶ کلیه اشعار و نغمات سایات نوا را بزبان انگلیسی ترجمه و منتشر کرده و این نشریه در سال ۱۹۵۷ مجدداً چاپ شده است.

در سال ۱۹۱۸ برای اولین بار «یوسف کرمی شاشویلی» شاعر گرجی نغمات و اشعار سایات نوا را ترجمه و در کتاب جداگانه چاپ و منتشر ساخته و در باره او نیز قلمفرسائی کرده است.

بطوری که اشاره شد اشعار و نغمات سایات نوا به زبانهای مختلف ترجمه و چاپ شده اند ولی متأسفانه تاکنون این اشعار و نغمات بزبان فارسی ترجمه نشده است. اینجانب مدتی است که مشغول ترجمه اشعار او بزبان فارسی میباشم که امیدوارم بزودی آنرا بپایان رسانیده چاپ و منتشر سازم.

چند سال قبل جشن ۲۵۰ سالگی تولد سایات نوا در ارمنستان و در تمام کشورهای که آرامنه زندگی میکنند باشکوه فراوان برپا شد و مردم جهان احساسات ملی و درونی خود را ابراز داشته و مقام شامخ این شاعر و نغمه سرای بزرگ را ستودند.

ارامنه ایران نیز از قافله دور نماندند. انجمن نویسندگان و شعرای ارامنه ایران چه در تهران و چه در شهرستانها جشنهایی بپا کردند و با ابراز احساسات بیشانیه

خود مقام و منزلت او را ستایش کردند -

دو قرن و نیم از روزی که این خواننده و نغمه سرا و شاعر از جهان فانی رخت بر بسته است سپری شده ولی نغمات الهی و دلپذیر او گوشه‌های هر شنونده را مانند گذشته نوازش میدهد زیرا این نغمات هنوز تازگی و شادابی خود را از دست نداده احساسات درونی شنوند را تحریک میکند و بهیچان می‌آورد .

سایات نوا یکی از برجسته ترین نغمه سرایان قرن ۱۸ بشمار میرود .

او با نغمه‌ها و ترانه‌های لطیف و پرهیچان خود نه فقط قلوب مردم را که در عصر او میزیسته اند ربوده بلکه نسلهای آینده را نیز فریفته و مجذوب خود ساخته است . حتی میتوان باجرات گفت که وی بر نغمه سرایان قرن ۱۹ و ۲۰ سمت استادی داشته . همین کافی است که گفته ما را تأیید نماید که ترانه‌ها و اشعار او بزبانهای مختلف ترجمه شده و مردم هنر دوست استقبال شایانی از آنها نمودند و آثار او عمومیت یافته و در همه جا مورد توجه قرار گرفته است .

اشخاص بدون گذشت و سخت گیر ، پیوسته برای خود دشمن می‌تراشند و دشمن بیدار موجب قلق و نگرانی دایم آنها میشود. اینگونه اشخاص همیشه در رنج و زحمت اند زیرا مایه رنج در روح بی اغماض و سخت گیر و پرتقاضای خود آنها نهفته است .

نظیر از نظامی

مشودر حساب جهان سخت گیر که هر سخت گیری بود سخت میر
 باسان گذاری دمی میسپار که آسان زید مرد آسان گذار

(از کتاب نقشی از حافظ)